پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین الملل، دورهٔ ۱۲، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی ۲۴، بهار و تابستان ۱۴۰۳
دورهٔ انتشار: شش ماهنامه ⁕ شاپا چاپی: 2322-3472 ⁕ شاپا الکترونیک: 2717-3402
https://doi.org/10.22067/irlip.2024.83562.1414
مـقالهٔ پژوهشـی
تاریخ دریافت : ۱۴۰۲/۰۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴

آسیب‌شناسی دیپلماسی رسمی جمهوری اسلامی ایران در قبال ترکمنستان (۲۰۱۵ – ۲۰۲۰) با تأکید بر رویکرد پارادیپلماسی

الهام صباغ[۱]، مهناز گودرزی[۲*]

چکیده

پس از فروپاشی شوروی و نظم بین‌المللی دوقطبی، کشورهای جدا شده از مسکو مورد توجه سیاست خارجی و دیپلماسی رسمی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند. اما این تمام ماجرا نبود و روابط دیپلماتیک نیز متحول شده و به سمت چندوجهی سوق پیدا کرده و رویکردهای پارادیپلماسی مطح شدند تا هویت‌های خرد و فروملی بتوانند در راستای تکمیل دیپلماسی رسمی نقش‌آفرینی کرده و به صحنه روابط بین‌الملل بیایند. سوال مهم این بود که «نقاط قوت و ضعف روابط دیپلماتیک ایران و ترکمنستان کدام‌اند و پارادیپلماسی چه کمکی به بهبود و ارتقاء این مناسبات می‌کند؟» در پاسخ به این پژوهش این فرضیه مطرح است که «عمده آسیب روابط دیپلماتیک تهران ـ عشق‌آباد، تمرکز انحصاری بر دیپلماسی رسمی بین دو کشور و بی‌توجهی به جنبه‌های جدید در روابط دیپلماتیک از جمله پارادیپلماسی است که می‌تواند نقاط ضعف روابط رسمی در محورهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را کاسته و با تمرکز بر ابزارهای متنوع در حوزه‌های گوناگون دیپلماسی، بر بهبود مناسبات دو کشور بیفزاید.»به منظور آزمون این فرضیه، داده‌های مطالعات کتابخانه‌ای ـ اسنادی را بر اساس روش توصیفی ـ تحلیلی مورد ارزیابی و وارسی قرار داده‌ایم.

واژه های کلیدی: پارادیپلماسی، ایران، ترکمنستان، آسیب‌شناسی، تعاملات دوجانبه

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
ایمیل: sabaghela@gmail.com
۲. دانشیار روابط بین الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
ایمیل: Mahnazgoodarzi60@gmail.com

Pathology of the official diplomacy of the Islamic Republic of Iran towards Turkmenistan(۲۰۲۰-۲۰۱۵) Emphasizing the paradiplomatic approach

Elham Sabagh[1], Mahnazgoodarzi[2*]

Several decades have passed since the collapse of the Soviet Union, and relations with the former Soviet Union have been on the agenda of Iran's foreign policy since the day after the collapse. With the collapse of the bipolar system, Iran made several researches to expand strategic relations with independent political units. Most of them are officially defined in the form of diplomacy. This is the fact that the diplomatic multifaceted relations have changed the levels of diplomacy and political relations of drawers and paradiplomatic features. From the point of view of diplomacy, small and national identities independent of central governments can play a role in the international arena. Based on this assumption, the question of this article is: "What are the strengths and weaknesses of the diplomatic relations between Iran and Turkmenistan, and how does paradiplomacy help to improve and promote these relations?" In response to this hypothesis, it is proposed that "the main damage to diplomatic relations between Tehran and Ashgabat is the development of official diplomacy between the two countries and the neglect of new aspects in diplomatic relations, including paradiplomacy, which can be the weakness of official relations in the political, political and political spheres. reduce the economic, cultural and social and use various tools in various fields of diplomacy to improve the relations between the two countries. The method of conducting this research is a qualitative descriptive-analytical type and it has been collected through the studies of document libraries and analyzed in the theory of paradiplomacy.

Keywords: paradiplomacy, Iran, Turkmenistan, pathology, bilateral interactions

1. PhD student of international relations, Isfahan, (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran Email: sabaghela@gmail.com

2. Associate Professor of international relations, Isfahan, (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding author).Email: Mahnazgoodarzi60@gmail.com

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۱۲، شمارهٔ ۲، شماره پیاپی ۲۴، بهار و تابستان ۱۴۰۳

مقدمه

پارادیپلماسی انحصار نقش‌آفرینی دولت‌ها در عرصه بین‌المللی را برهم زد و با واگذاری بخشی از اختیارات به بازیگران فروملی از قبیل استانداری‌ها، شهرداری، سازمان‌ها و سایر گروه‌های خصوصی و نیمه‌دولتی فضای جدیدی را بر روابط بین‌الملل حاکم کرد. می‌توان گفت این انحصار زدایی از دولت، درنتیجه رواج فرایندهای جهانی‌شدن رخ‌داده است. جهانی‌شدن علاوه بر تغییر در «سطح» روابط بین‌الملل و همچنین افزایش «تعداد بازیگران[1]» در عرصه مناسبات جهانی، عامل تغییر در «جنس و نوع[2]» رابطه بین کشورها و قدرت‌ها شده است. امروزه کشورهای بسیاری برای فائق آمدن بر مشکلات و مسائل مشترکی همچون «مسائل زیست‌محیطی»، «موضوعات حقوق بشری»، «فشار جمعیت»، «بهداشت عمومی» و «کمک‌های بشردوستانه» به همگرایی روی می‌آورند و گام‌هایی را بر اساس اصول پارادیپلماسی برمی‌دارند.

آسیای مرکزی دارای ویژگی‌ها و پتانسیل‌های فراوانی است. این منطقه و کشورهای حاضر در آن دارای مزیت ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر هستند. قرابت‌های تمدنی، فرهنگی، مذهبی و... ایران با ترکمنستان زمینه بسیار مستعدی برای ارتقاء روابط میان تهران و عشق‌آباد ایجاد کرده است. لذا پژوهش پیشرو تلاش دارد تا با در پس بررسی ویژگی‌های دیپلماسی رسمی جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان به آسیب‌های وارده بر این روابط تمرکز کرده و با تکیه‌بر رویکرد پارادیپلماسی پیشنهادهایی برای بهبود و ارتقاء سطح روابط دوجانبه دو کشور ارائه کند تا تهران بیش‌تر از گذشته بتواند از قبل این روابط به تحقق منافع منطقه‌ای خود دست یابد.

پیشینه پژوهش

ادبیات پژوهشی گسترده و موجود درزمینهٔ پارادیپلماسی حاکی از آن است که این چارچوب نظری از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات سیاسی مناطق آمریکای شمالی و اروپای غربی برخوردار است و در محافل علمی سایر مناطق مانند آسیا و اروپای شرقی نیز گرایش به این حوزه مطالعاتی در حال رشد است. ناصر پور حسن و مریم خالقی نژاد، در کتاب «پارادیپلماسی» (Khaleghinezhad & Pourhasan, 2017)، ظرفیت‌های پارادیپلماتیک جمهوری اسلامی را بررسی کرده اند. نویسندگان در این کتاب کاربست

۱- که از سطح دولتی و تعداد دولت ـ ملت‌های رسمی به سطح فروملی و فراملی و تکثر تعداد بازیگران غیردولتی تغییر وضعیت داده است.
۲- که از روابط صرفاً سیاسی، اقتصادی و یا اقتصاد سیاسی در گذشته شاهد غلبه روابط رویکردهای فرهنگی ـ آموزشی و بهداشتی هستیم.

پارادیپلماسی را منوط به موقعیت جغرافیایی، تعداد همسایگان، پیوستگی قومی، حوزه تمدن، نسبت‌های دینی و فرصت‌های افزایش مراودات اقتصادی یک کشورهای در منطقه پیرامونی خود کرده‌اند. مریم خالقی نژاد و همکاران (Khaleghinezhad, 2020) در مقاله «منطقه‌گرایی پارادیپلماتیک با تأکید بر ایران فرهنگی» ، تلاش دارند تا با عطف به دو نکته (مطرح‌شدن پارادیپلماسی در عرصه سیاست خارجی و ارائه نظریه پارادیپلماسی فرامرزی، سپس منطقه‌گرایی نوین)، مدل منطقه‌گرایی پارادیپلماتیک را با بررسی کشورهای حوزه ایران فرهنگی ترسیم کنند.حسین زلفعلی فام و موسی سعادتی(Zolfali Pham & Saadati, 2015) در مقاله «بررسی موردی دیپلماسی شهری در فرآیند پارادیپلماسی درعصرجهانی شدن» در پاسخ به پرسش تأثیر جهانی‌شدن برپارادیپلماسی و بر اساس مطالعه موردی درباره دیپلماسی شهری، این فرضیه را مطرح می‌کنند که پارادیپلماسی درعصرجهانی شدن تقویت یافته است ازآن‌رو که درنتیجه سطوح فزاینده خود حکمرانی میزان مشارکت حکومت‌های محلی و تمامیت‌های خودگردان در عرصه روابط خارجی افزایش‌یافته است. (Marten Kooistra, 2017) در پژوهشی بیان نموده است که چگونه با استفاده از مؤلفه‌های پارادیپلماسی بازیگران فراملی می‌توانند در امور بین‌الملل دخالت کنند و حتی به‌طورکلی مقررات دولت ملی را نیز تغییر دهند. (Tomas Jackson, 2017) در پژوهشی بیان می‌کند که جغرافیدانان سیاسی به‌طور فزاینده‌ای به دنبال شیوه‌های دیپلماتیک جایگزین هستند. (Jorge Schiavon, 2018) در کتاب «پارادیپلماسی تطبیقی[1]» با بررسی متن قانون اساسی این کشورها نتیجه می‌گیرد که نوع و نحوه روابط و سازوکارها بین دولت‌ملت‌ها برای شیفت از دیپلماسی به پارادیپلماسی به میزان معناداری به متن قانون اساسی آن کشورها مرتبط است. مهم‌ترین وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیشین این است که با تأکید بر رویکرد پارادیپلماسی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های پارادیپلماتیمک در بعد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که به معنای شکسته شدن انحصار بازیگران دولتی در عرصه‌های بین‌المللی و اجازه دادن به بازیگران فروملی برای تأمین منافع ملی، مستقل از دولت مرکزی است، ضمن بررسی نقاط ضعف این روابط، راه‌کارهای مؤثر در راستای تقویت در این محورها را موردبررسی و مداقه قرار ده.

پارادیپلماسی و ظرفیت‌های آن

«پارادیپلماسی» یا «دیپلماسی موازی» با اشاره به این‌که «چه چیزی می‌تواند ظرفیت‌ها و توانایی‌های

---

1 - Comparative Paradiplomacy

واحدهای فروملی و مشارکت و استقلال این واحدها را در عرصه بین‌المللی در پیگیری منافع خاص بین‌المللی توصیف کند» (Momeni, 2016.) موردتوجه سیاستمداران قرارگرفته است. به بیانی ساده‌تر «نقش‌آفرینی هویت‌های فروملی در عرصه سیاست خارجی و مشارکت آنان در راستای تحقق منافع ملی با عنوان رویکردی جدید در سیاست خارجی کشورها شناخته‌شده است» (Dehshiri, 2014).

ازنظر (Alexander Kuznetsov) پارادیپلماسی را می‌توان در سه لایه از هم تفکیک نمود:

در عرصه اقتصادی: هدف حکومت‌های فروملی در توسعه روابط بین‌الملل به‌قصد جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، شرکت‌های بین‌المللی در منطقه و به دست آوردن بازار جدید برای صادرات می‌باشد، برای مثال می‌توان به دولت‌های آمریکا و استرالیا اشاره کرد که به دنبال پیگیری منافع اقتصادی خود از طریق پارادیپلماسی می‌باشند. برخی از واحدها نیز با توجه به مرز مشترک برای برقراری این نوع از روابط پارادیپلماسی استفاده دوچندانی دارند. سطح دوم همکاری فرهنگی، آموزشی، تکنیکی، تکنولوژی و است. در این سطح ابعاد بیشتر و گسترده‌تری وجود دارد، در عرصه فرهنگی ممکن است برخی مناطق در صدد ارتقاء جایگاه خود در عرصه بین‌المللی به‌عنوان تمامیت‌های فرهنگی خودگردان باشند. لذا فرهنگ‌های مشابه می‌توانند با استفاده از این امکان باعث افزایش روابط و دیپلماسی مناطق مختلف شوند. سطح سوم شامل علایق و توجهات سیاسی می‌باشد که در این لایه پارادیپلماسی گرایش به ویژگی‌های آشکار از هویت، اخلاق و ویژگی‌های رفتاری متمایز حکومت‌های فروملی و پروژه‌های دولت مرکزی در سطح بین‌المللی دارد، در اینجا حکومت‌های فروملی در پی توسعه یکسری از روابط با توجه به هویت، صفات ملی، هنجارها و انگاره‌های ملی خود می‌باشند. از موارد بااهمیت دیگر در مبحث پارادیپلماسی وجود زمینه‌های قانونی پارادیپلماسی در کشورها است که به‌صورت قانونی و تصویب‌شده چه اختیاراتی به واحدهای فروملی واگذارشده است که باعث سوق دادن هرچه بیشتر روابط پارادیپلماتیک و انگیزه آفرینی واحدهایی فروملی برای ایجاد روابط پارادیپلماتیک می‌شود (kuznetsov, 2014).

در حقیقت، پارادیپلماسی ابزاری برای بهره‌گیری دولت‌ها از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی در دنیای جهانی شده امروز است. با توجه به تأثیرات جهانی‌شدن دیپلماسی دیگر متمرکز و ایستا نیست و بیشتر گرایش به پویایی و سیال بودن دارد، بنابراین دیپلماسی سنتی جوابگوی نیاز دولت‌ها در عرصه بین‌المللی نیست. پارادیپلماسی به‌عنوان شکل نوینی از ابزارهای سیاست خارجی فرصت‌های جدیدی را برای دولت‌ها به وجود می‌آورد که از طریق به‌کارگیری بازیگران فروملی و حکومت‌های محلی مانند شهرها و استان‌های دولت‌ها می‌توانند در طیف گسترده‌ای از موضوعات منطقه‌ای نقش‌آفرینی کنند. شکل و چارچوب این

شکل از دیپلماسی در مناطق مختلف جهان با توجه به ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی و همچنین تحولات و رخدادهایی که در آن مناطق رخ‌داده و یا در جریان است می‌توانـد متفـاوت باشـد. موضـوعاتی هـم کـه پارادیپلماسی در آن بـه کـار گرفتـه مـی‌شـود ممکـن اسـت بـا توجـه بـه منـافع ملـی دولـت‌هـا و همچنـین ضرورت‌هایی که در عرصه منطقـه‌ای و بـین‌المللـی وجـود دارد طیـف گسـترده‌ای از موضـوعات ازجملـه اقتصاد، سیاست، امنیت، فرهنگی، محیط‌زیست و غیره را شامل شود (Shokoohi & Safari, 2020)

پیشینه روابط ایران و ترکمنستان مبتنی بر دیپلماسی رسمی

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تاسیس کشورهای جدیدالتاسـیس تحـت عنـوان جمهـوری هـای خودمختار اسیای مرکـزی و قفقـاز ایـن منطقـه مـورد توجـه قـدرتهای منطقـه ای قـرار گرفـت. جمهـوری ترکمنستان نیز در ۲۷ اکتبر ۱۹۹۱، رسما در عرصه بین الملل به رسمیت شناخته شد. در این برهه و با توجـه به شرایط زمانی نظم جهانی، این کشور جهت گیری اصلی سیاست خود در عرصه بـین الملـل را بـا عنـوان «بی طرفی مثبت» اعلام کرد. قانون اساسی ترکمنستان نیز در ۱۸ مه ۱۹۹۲ در چهـاردهمین نشسـت مجلـس ترکمنستان به تصویب رسید وماهیت رژیم سیاسی این کشور را جمهوری قرار داد (Rasoulian, 2003. P. 6). قانون اساسی ترکمنستان بیان می‌دارد: «ترکمنستان، به عنوان یک تبعه کامل جامعه بین المللی، به اصول سیاست خارجی بی طرفی دائم، مداخله نکردن در امور داخلـی دیگـر کشـورها، اسـتفاده نکـردن از زور و مشارکت نکردن در بلوکها و اتحادهای نظامی پایبند است. همچنین این کشـور خـود را بـه توسـعه روابـط صلح آمیز، دوستانه و دارای سود مشترک با کشورهای منطقه و دولت های سراسر جهان پایبند می دانـد... ترکمنستان برتری هنجارهای پذیرفته شـده حقـوق بـین الملـل را بـه رسـمیت مـی شناسـد» (قـانون اساسـی ترکمنستان) نائل آمدن به ثبات سیاسی و اقتصادی را می توان به عنوان دلیل اصلی اتخاذ سیاست بی طرفی ترکمنستان مطرح کرد. آنچنان که گلیسن در این مورد می نویسد: «سیاست بی طرفـی ترکمنسـتان نخسـت در پی اطمینان یافتن از این بود که ترکمنستان می‌تواند بیشترین فاصله ممکن را با روسیه ایجاد کند، بـدون اینکه دسترسی به بازارهای گاز شمالی و اروپایی را از دست بدهد. دوم اینکه، این سیاست طراحی شـد تـا توسعه تجارت با همسایگان جنوبی و غربی ترکمنستان را بر مبنای منافع مشخص ترکمنسـتان ارتقـا دهـد و سوم اینکه، این سیاست اتخاذ شد تا جذب حداکثر سرمایه خارجی ممکن را برای ترکمنستان امکـان پـذیر کند، تا دولت از این طریق صنایع مرتبط با گاز را احیا کرده و امارتی چون کویت در کشـور خـود ایجـاد کند و در همان حال کنترل کامل بر نظام سیاسی را از دست ندهـد» (Gleason, 2003: 115). امـا از سـال

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل،
سال ۱۲، شمارهٔ ۲، شماره پیاپی ۲۴، بهار و تابستان ۱۴۰۳

۲۰۰۶ به بعد با انتخاب بردی محمداف به عنوان دومین رییس جمهور وی با این استدلال که سیاست های دولت قبلی منجر به منزوی شدن ترکمنستان شده دست به اصلاحات اساسی در عرصه بین المللی برای ترکمنستان زد (International Crisis Group, 2007). نگاهی به اختیارات رئیس جمهور نشان می‌دهد که برخلاف مفاد قانون اساسی مبنی بر تفکیک و توازن قوا، شخص رئیس جمهور از اختیارات فراوانی برخوردار است و بر قوای مقننه و قضائیه اشراف کامل دارد. پس از رئیس جمهور، مجلس مصلحت خلق بالاترین مقام کشور را تشکیل می‌دهد که ریاست آن نیز برعهده رئیس جمهور است. به این ترتیب نظام حکومتی ترکمنستان متکی بر شخص رئیس جمهور است(Ahmadi Lefourki et al., 2004).

جمهوری اسلامی جزو اولین کشورهایی بود که در ترکمنستان اقدام به تأسیس سفارتخانه نمود. به طور کلی رابطه با ترکمنستان از جهات چندی برای ایران حائز اهمیت بوده و هست؛ از جمله مهمترین این دلایل می‌توان به این نکته اشاره کرد که ترکمنستان تنها جمهوری مسلمان نشین آسیای مرکزی است که در آب و خشکی با ایران هم مرز است. به علاوه، وجود مرزهای طولانی و مشترک بین دو کشور، ظرفیت‌های اقتصادی ترکمنستان به ویژه در بخش نفت و گاز، نقش این کشور به عنوان دروازه ورود ایران به آسیای مرکزی، عضویت ترکمنستان در اکو و نقش کلیدی این کشور در اجرای طرحهای اکو به ویژه در زمینه حمل و ً نقل و نهایتا اهمیت این کشور به عنوان یکی از کشورهای ساحلی دریای خزر، از دیگر عواملی است که موجب توجه ویژه ایران به این کشور شده است (Damanpakjami, 2009) برای ترکمنستان نیز روابط با ایران اهمیت خاصی دارد. یکی از دلایل این امر، نقش ایران در حفظ صلح و امنیت منطقه است. همچنین ایران میتواند به عنوان مسیر اصلی دستیابی ترکمنستان به آبهای آزاد مورد توجه قرار گیرد. وجود یک اقلیت ترکمن در ایران، از جنبه فرهنگی توجیه کننده این اهمیت است. در بعد اقتصادی نیز، علاقمندی ایران به خرید گاز از ترکمنستان و مسیر ترانزیت برای انتقال گاز این کشور به اروپا، مورد توجه دولتمردان ترکمن قرار دارد. نهایتا، ایران یک شریک تجاری قابل اتکا و تأمین‌کننده نیازهای اساسی ترکمنستان است (Damanpakjami, 2009. P. 275).

آسیب شناسی دیپلماسی رسمی در حوزه فرهنگی

انتخاب هرگونه از وجوه رویکرد فرهنگی در مناسبات دیپلماتیک نیازمند توجه به تجانس‌های ساختارهای اجتماعی است (lotfizadeh & salehi, 2018). همان‌گونه که در «سند تحول راهبردی علم و فناوری» قیدشده می‌توان با نگاه فرهنگی ویژه به ترکمنستان «تعامل فعال و الهام‌بخش با محیط جهانی و فرآیندهای

توسعه علم و فناوری در جهان» را محقق ساخت و از ظرفیت‌های علمی و فرهنگی کشورهای این منطقه در جهت غنا بخشی به علوم گوناگون در ایران کمک گرفت (Pourahmadi, 2010). به‌این‌ترتیب مؤلفه‌ها و محورهای اصلی فرهنگی دیپلماسی رسمی ایران در قبال ترکمنستان شامل: ۱- مرکزیت فرهنگی دیپلماسی رسمی ایران بر پایه دین اسلام و مذهب شیعه استوار است (Kamalian, 2008) ۲- بخشی از تمرکز راهبردی دیپلماسی فرهنگی رسمی ایران به زمینه مشترکات تمدنی ـ زبانی استوار است. ۳- مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم به‌مثابه تصحیح چهره هویتی در دستور کار دیپلماسی رسمی ایران قرار دارد (Yazdani et al., 2012).

جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد تا به ترکمنستان و درمجموع به کشورهای آسیای مرکزی کمک کند تا ریشه‌های معنوی و فرهنگی خود را بازیابند. اما جمهوری اسلامی ایران از این امر غافل شده است که این کشورها پس از استقلال از اتحاد جماهیر شوروی، دارای هویت مستقل شده‌اند؛ بنابراین تمایل چندانی برای همراهی با ایران ندارند که بخواهند شعله‌های فرهنگ و تمدن ایرانی گذشته را در خود بار دیگر روشن کنند. تأکید ایران بر این عامل حتی باعث شده تا بسیاری از بازیگران فرا منطقه‌ای مانند ایالات‌متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، اسرائیل، ترکیه و عربستان توسعه روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی را با محدودیت‌های مختلف مواجه سازند. مجموعه کشورهای آسیای مرکزی و ازجمله آن ترکمنستان نسبت به اهداف ایران به‌عنوان یک کشور انقلابی و اسلامی و همچنین یک قدرت منطقه‌ای مشکوک هستند. به‌طور ویژه ایالات‌متحده و ترکیه کوشش‌های زیادی انجام دادند تا مانع از گسترش روابط فرهنگی بین ایران و این کشورها شوند (Svante, 2003). امروزه نیز رهبران مذهبی، زمامداران و همچنین مخالفان، بیشتر آموزش‌های خود را در کشورهای عرب و سنی مذهب دیده‌اند (Mohammad Sharifi, 2009)؛ اما آنچه در وهله اول به‌عنوان چالش بر سر راه گسترش مناسبات فرهنگی با این منطقه به چشم می‌خورد خوش‌بینی افراطی و عدم واقع‌بینی مسئولان جمهوری اسلامی و عدم وجود طرح و برنامه مناسب برای حضور و نفوذ فرهنگی گسترده، به‌رغم قرابت‌های فرهنگی ـ تاریخی با این منطقه بوده است. تلاش جهت اثربخشی ایران در راستای اهداف بلندمدت در ترکمنستان، مستلزم ایجاد و تقویت زیرساخت‌هایی است که بخشی از آن به فعالیت‌های داخلی نظام جمهوری اسلامی مربوط است و بخشی دیگر به اقدامات جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان بازمی‌گردد.

آسیب شناسی دیپلماسی رسمی در حوزه اقتصادی

روابط ایران با ترکمنستان به صورت عمل‌گراییِ مطلق با تمرکز روی همکاری‌های اقتصادی شکل گرفت.

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۱۲، شمارهٔ ۲، شماره پیاپی ۲۴، بهار و تابستان ۱۴۰۳

شرکت‌های اسرائیلی و ترکیه‌ای در اوایل انقلاب اسلامی ایران نقش مهمی در اقتصاد ترکمنستان ایفا می‌کردند. با این وجود آغاز روابط اقتصادی ایران و ترکمنستان در دولت هاشمی رفسنجانی اغاز و همکاری‌های دو کشور مستحکم شد و در ژانویه ۱۹۹۵ یک موافقت‌نامه همکاری‌های بانکی، گمرکی و حمل‌ونقل بین طرفین به امضا رسید (Roy, 2001) بیشتر صادرات ایران به ترکمنستان، مواد غذایی، تجهیزات پزشکی، ماشین آلات و کالاهای پیشرفته تکنولوژیک است. ایران در سال ۲۰۰۹ دومین شریک تجاری ترکمنستان به حساب می‌آمد. یکی دیگر از حوزه‌های سیاست خارجی ایران، حوزه امنیتی- نظامی است که اگر چه در این خصوص ایران در سطح به مراتب پایین‌تری از فدراسیون روسیه و چین قرار دارد اما همکاری‌های نظامی بسیار محدودی نظیر کنترل مرزها، مبارزه با تروریسم و مباره با قاچاق مواد مخدر به ویژه با دو کشور ترکمنستان و تاجیکستان صورت پذیرفته است (KozegarKaleji, 2015).

آنچه در این میان بر مناسبات اقتصادی ایران و ترکمنستان اهمیت دارد هم‌افزایی «میزان نزدیکی جغرافیایی ترکمنستان با ایران»، «سطح مشترکات فرهنگی و تاریخی فی‌مابین» و «سیاست‌های حاکم بر این کشورها» است. آن‌چنان‌که برای ایران در وهله اول، روابط با کشورهای همسایه و هم‌مرز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است (Mahmoudi, 2013). ازاین‌روی، نقش ترکمنستان در اجرای طرح‌های مشترک حمل‌ونقل و ترانزیت در اولویت قرار دارد (Farouhi, 2018)؛ به‌این‌ترتیب مؤلفه‌ها و محورهای اصلی اقتصادی دیپلماسی رسمی ایران در قبال ترکمنستان شامل: ۱- ترکمنستان در زمره کشورهای هدف ایران برای صادرات قرار دارد. ۲- ترکمنستان به‌عنوان تنها کشور منطقه آسیای مرکزی تنها در دوره سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ آن‌هم در رتبه هفت و هشت به‌عنوان کشور هدف صادرات ایران بوده است.

بخش مهمی از توفیقات اندک دیپلماسی رسمی ایران با رویکرد اقتصادی در این منطقه را می‌توان به دلایلی همچون عدم برنامه‌ریزی صحیح، منسجم و درازمدت، نبود پیوند مناسب میان بخش‌های اقتصادی (تعاونی و خصوصی) با دستگاه دیپلماسی، عدم‌حمایت لازم و مؤثر از بخش خصوصی و عدم‌حمایت‌های کافی و مستمر از سوی بانک‌های عامل و نهادهای مالی و اعتباری دانست (DehghaniFiroozabadi & Damanpak, 2017). از سوی دیگر فقدان برنامه‌ریزی‌های جامع و بلندمدت درزمینه مراودات اقتصادی ایران با کشورهای آسیای مرکزی سبب شده است از یک‌سو کشورهای منطقه مزبور، ایماژ یک شریک نامطمئن اقتصادی از ایران را برای خود تصویرسازی نمایند و از سوی دیگر بخش خصوصی در ایران و نهادهای فعال اقتصادی نسبت به حمایت و پشتیبانی دولتی در امور سیاسی و اقتصادی خشنود نباشند. این امر سبب رواج برخوردهای سلیقه‌ای با موضوع اقتصاد و هم‌چنین دامن زدن تصویرسازی‌های منفی شده

است (Simbar & GolAfrooz, 2009). این تصمیم‌گیری‌های مقطعی و ایـن بـی‌اعتمـادی دوجانبـه کـه از هردو سوی بخش خصوصی اقتصاد ایران و کشورهای منطقه آسـیای مرکـزی متوجـه نهادهـای دولتـی در ایران است، به‌عنوان مهم‌ترین دلیل ناکامی اقتصادی ایران در این منطقه به شمار می‌رود.

آسیب شناسی دیپلماسی رسمی در حوزه سیاسی

بازخوانی اسناد گویای آن است که ایران در قبال ترکمنستان و درمجموع در قبال آسیای مرکزی بـه دنبـال «تلاش در برقراری صلح و امنیت منطقـه»، «تأسـیس نماینـدگی‌هـای سیاسـی خـود در ایـن جمهـوری‌هـا»، «پذیرش این جمهوری‌ها در سازمان منطقه‌ای اکو و حمایت از شرکت و عضـویت آن‌هـا در مجـامع بـین-المللی»، «ترغیب این کشورها به رعایت مرزها و حقوق بین‌المللی»، «برگزاری نمایشگاه‌های متعدد در ایـن کشورها برای عرضه کالاهای ایرانی»، «برگزاری همایش‌های متعدد فرهنگی» و «تلاش برای جلـوگیری از وقوع درگیری در منطقه و سعی در حل‌وفصل مسالمت‌آمیـز اختلافـات» اسـت (JavadiArjmand, 2012). به‌این‌ترتیب مؤلفه‌هـا و محورهـای اصـلی سیاسـی دیپلماسـی رسـمی ایـران در قبـال ترکمنسـتان شـامل:۱- دیپلماسی ایران در قبال ترکمنستان در مواجهه با تهدیدات و فرصت‌های متداخل و لایه‌بەلایه قرار دارد. ۲- روابط دیپلماتیک ایران تحت‌الشعاع حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقـه‌ای در ترکمنسـتان قـرار دارد. ۳- ساختار تصمیم‌گیری روابط دیپلماتیک در ایران بسیار پیچیده و واحد نهادهای موازی است (Shirazi, 2005).

روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان در سال‌های اخیر در حالی مرحله جدید و نوینی را تجربه نمود و قربانقلی بردی محمداف، رئیس‌جمهور ترکمنستان در مراسم تحلیف رئـیس‌جمهـوری‌هـای ایران شرکت نمود که دو کشور به دلیل اختلافات دو کشور درزمینه قطع گاز (۱۳۸۶) و افت فشار (۱۳۹۰) آن‌هم در فصل سرد زمسـتان، شـرایط نسـبتاً سـرد و پرتنشـی را پشـت سـر گذاشـته بودنـد (IRNA news agency, 2020: news code 83783854). ایـن در حـالی اسـت کـه بـه نظـر غالـب کارشناسـان، اسـتقلال جمهوری‌های پنج‌گانهٔ آسیای مرکزی ازجمله ترکمنستان از سمت جمهوری اسلامی ایران با تـرس، مـورد استقبال قرار گرفت (Cornell, 2003)، اما این ترس تنها متعلق به ایران نبود؛ قـدرت‌هـای بـزرگ ازجملـه آمریکا نیز با هراس از انتقال مدل حکومت اسلامی نظام سیاسی جدید در ایران، تلاش برای اثرگـذاری بـر این منطقه را آغاز کرد. البته امروز و پس از گذشت حدود چهار دهه به نظر می‌رسد آن ترس‌ها اغراق‌آمیز بوده؛ چراکه نه‌تنها رویکردهای دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران بیش‌ازپیش به سمت عمل‌گرایی سـوق

پیدا کرد، بلکه ایدئولوژی شیعه نتوانست حمایت ایالت‌های سنی این جمهوری را به خود جذب کند (Cornell, 2003) و موجبات تغییر در رویکردهای ایدئولوژیکی و حرکت دیپلماسی جمهوری اسلامی به سمت رویکردهای فرهنگی، سیاسی و غالباً اقتصادی را به همراه داشت.

در جدول زیر میتوان موانع دیپلماسی رسمی در روابط دو کشور مشاهده نمود:

جدول شماره (۲): موانع دیپلماسی ایران در قبال ترکمنستان

موانع	مصادیق
سیاسی	فقدان استراتژی سیاست خارجی جامع؛ عدم بهره‌گیری از ابزارهای مدرن در سیاست‌های منطقه‌ای؛ عدم‌حمایت دولت از فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی در منطقه؛ وجود تصویر غلط از جمهوری اسلامی ایران در منطقه و تلاش اندک برای بازسازی این تصویر و تلاش‌های قدرت‌های رقیب برای بی‌اثر یا کم اثر کردن کوشش‌های ایران برای ایجاد ائتلاف‌ها و پیوندها
اقتصادی	عدم پیوند لازم بین عرصه اقتصاد و سیاست، عدم بهره‌گیری از ژئوپلیتیک ایران در حوزه انرژی، عدم شناخت از ساختارهای اقتصادی منطقه، عدم وجود راهبرد مشخص و مستمر برای حمایت از همکاری‌های اقتصادی
فرهنگی ـ امنیتی	خطر افراط گرایی مذهبی؛ بلاتکلیفی در مرزهای جغرافیایی و قومی، ناسیونالیسم قومی؛ خطر ایجاد و گسترش رو به رشد باندهای مافیایی قاچاق مواد مخدر، عملیات تروریستی؛ فساد مالی و قاچاق اسلحه و غیره

پارادیپلماسی ابزار نوین تعامل بین ایران و ترکمنستان

طیف مختلفی از موضوعات برای نقش‌آفرینی بازیگران منطقه‌ای، محلی و غیردولتی در حوزه پارادیپلماسی وجود دارد. بااین‌وجود حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بستر مناسبی برای این‌گونه از بازیگران است، ازلحاظ اقتصادی، مناطق و حکومت‌های محلی به دنبال جذب سرمایه‌گذاری بازار برای تولیدات و همچنین ارتقا جایگاه خود به‌عنوان مقصد گردشگری هستند. این مناطق همچنین از طریق همکاری میان شرکت‌های کوچک و متوسط به دنبال بهره‌برداری از همکاری‌های مشترک هستند که مناطق آن‌ها را ازلحاظ موفقیت اقتصادی متمایز می‌کند و رقابت بازاری را افزایش می‌دهد. ازلحاظ فرهنگی مناطق و حکومت‌های محلی با زبان و فرهنگ خاص خود به دنبال حمایت‌ها و منابع بین‌المللی هستند. ازلحاظ سیاسی نیز، حکومت‌های محلی به دلایل مختلف به دنبال وارد شدن به عرصه بین‌المللی هستند. یکی از این دلایل می‌تواند تمایلات ملی‌گرایی برای به دست آوردن مشروعیت و اعتبار در نظام بین‌المللی باشد (Owtram, 2014 & Mohammed).

الف) پارادیپلماسی و ظرفیت سیاسی آن

پارادیپلماسی با عبور از موانعِ دیپلماسیِ رسمی، ظرفیت‌های شگرف و بی‌اندازه‌ای را پیش‌روی کشورها برای اعمال و ایجاد همگرایی فراهم می‌آورد. البته این به‌معنایِ از اعتبار افتادنِ دیپلماسی به معنایِ سنتی آن نیست، چراکه علیرغم وجود جریان جهانی‌شدن و افزایش این روند و تأثیر آن بر بسیاری از تعاملات و معادلات بین‌المللی مبنی بر کمرنگ شدن نقش حاکمیت‌ها و مرزهای جغرافیایی در تراکنش‌های اقتصادی و تعاملات بین جوامع و افراد، هنوز شاهد اهمیت قلمرو جغرافیای دولت ملت‌ها در همکاری و رقابت هستیم. (Rahnama and Tavangar, 2010).

از منظری سیاسی، رویکرد پارادیپلماتیک، به فعال‌کردنِ پتانسیل‌های همکاری میانِ کشورها توجهی ویژه دارد. در رابطه با ایران و ترکمنستان؛ از مارس ۲۰۱۵ ، تلاش‌هایی برای فعال‌کردن ظرفیت‌های سیاسی آغاز شد. حسن روحانی و بردی محمداف در عشق‌آباد دیدارهای رسمی داشتند؛ که ماحصل آن ۱۷ سند همکاری درزمینه‌های سیاسی اقتصادی و فرهنگی بود. همچنین توافق شد که طی یک دهه آینده حجم مبادلات تجاری دو کشور ارتقا یابد (Bishku, 2015). این دو کشور نگرانی‌های امنیتی مشترکی دارند و ترکمنستان موضعی تند علیه اسلام‌گرایان سنی و داعش دارد که در راستای اهداف سیاست خارجی ایران است. علاوه بر این، با توجه به مرز بزرگ مشترک، ترکمنستان یک شریک مهم ایران برای پیشگیری از تهدیدات منطقه آسیای مرکزی است. در این رابطه، ترکمنستان تلاش روزافزونی برای تقویت امنیت مرزی خود به‌گونه‌ای که تنها می‌تواند به نفع منافع ایران باشد، انجام داده است. باید توجه داشت که ترکمنستان، نه‌تنها در رابطه با منطقه آسیای مرکزی بلکه با توجه به افغانستان، یک دارایی مهم برای تهران به شمار می‌رود. این نشانه‌ها می‌تواند حاوی پیام مثبت برای ایران در شرایط سخت تحریم باشد که می‌تواند در شرایط سخت تحریمی با عدم همراهی خود باقدرت های تحریم کننده دروازه ایران برای ورود عرصه تجارت هم در عرصه صادرات و هم واردات محصولات مختلف به ایران باشد (Velmini, 2016)

از نتایج تفاوت‌های دو طرف در عرصهٔ ایدئولوژیک و نظام‌های سیاسی در منطقه، تفاوت در سیاست خارجی و در عرصه تصمیم‌گیری‌های دو طرف است که این امر باعث ائتلاف نیرو در جهت همگرایی و تقویت نیروهای واگرا است. همچنین به دلیل نظام سیاسی بسته و اقتدارگرای این کشور و فساد و فقدان شفافیت عمومی در سیستم نظارتی، شرایط دشواری را برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد کرده است و تصمیمات برای هرگونه سرمایه‌گذاری خارجی باید با مشورت بالاترین رده‌های رهبری صورت گیرد. همچنین شرکت‌های خارجی همچنان در برابر مداخلات سیاسی و سلب مالکیت خودسرانه دارایی‌ها آسیب‌پذیر هستند (Bohr, 2016). از آن‌جا که عرصهٔ سیاسی همچنان بر متغیرهای سنتی سیاست تکیه

دارد، ظرفیت‌های پارادیپلماتیک را بیشتر باید در ابعاد فرهنگی جست.

ب) پارادیپلماسی و ظرفیت فرهنگی آن

دومین عامل در ظرفیت‌های پارادیپلماتیک یک کشور، بُعد فرهنگی است. در کنار جغرافیا که به شکل ظاهری و موقعیت ژئوپلیتیکی یک کشور اهمیت می‌دهد این عامل را شاید بتوان عامل نرم‌افزاری قلمداد کرد که بر عوامل مختلفی مثل مذهب، اشتراکات قومی-زبانی و ارزش‌ها، هنجارها و آداب‌ورسوم یک کشور در مقایسه با کشور همسایه اشاره دارد. هرچقدر که همگونی فرهنگی-سیاسی بین دو کشور بیشتر باشد احتمال میزان موفقیت روابط بین دو کشور نیز بیشتر خواهد بود. فرهنگ سیاسی عبارت است از دیدگاه‌ها، احساسات سیاسی و ادراکاتی که رفتار سیاسی افراد را در هر جامعه‌ای تعیین کرده و هدایت می‌کند. بامطالعه فرهنگ سیاسی کشورها و جوامع مختلف، می‌توان تفاوت رفتار سیاسی آن‌ها را درک کرد(Pay and Verba, 1965) به همین سبب است که «هانتینگتون» از «برخورد تمدن‌ها» صحبت می‌کند، برخوردی که بین ملل مختلف یا بهتر بگوییم بین فرهنگ‌های سیاسی مختلف به وجود می‌آید. (Greif,1994)

مردم آسیای میانه جشن‌ها و آیین‌های رسمی مشترک بسیاری با ایرانیان دارد. با توجه به تنوع فرهنگی و قومیتی موجود در آسیای میانه، مراسم، سنت‌ها و آیین‌های متنوعی در این منطقه در جریان است که می‌توان از نوروز به‌عنوان یک جشن آیینی مهم و از محرم به‌عنوان یک مراسم سنتی و مذهبی برجسته در این منطقه یاد کرد. در تاجیکستان، به‌خصوص در بدخشان »، جشن نوروز باشکوه هر چه تمام‌تر برگزار می‌شود. مردم تاجیک نوروز را عید بزرگ» می‌خوانند. این عید برای مردم تاجیکستان که روزگاری سرزمینشان بخشی از ایران بزرگ محسوب می‌شده، عید ملی اجدادی است. خانواده‌های قرقیزی از نخستین ساعات صبح روز عید، آن را جشن گرفته، از خانه‌هایشان خارج‌شده و در میدان‌های بزرگ شهر گرد هم جمع می‌شوند. مردم ازبکستان پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، یکم فروردین‌ماه هجری خورشیدی را به‌عنوان عید نوروز، با گردهمایی در کنار یکدیگر جشن می‌گیرند. قزاقستانی‌ها باور دارند که تمیز کردن خانه در آغاز سال نو، باعث پیشگیری از بیماری و بدبختی می‌شود، در این روز مردم لباس نو و سفید به تن می‌کنند و آن را نشانه شادمانی می‌دانند و به دیدوبازدید اقوام می‌روند (Modareszadeh, 2018)

برگزاری آیین‌ها و مراسمات دینی مذهبی نظیر عید فطر، عید قربان و ... نیز ازجمله سایر مظاهر عناصر فرهنگی مشترک در دو منطقه است. عاشورا ازجمله آیین‌های سنتی متداول در بین ایرانیان و مردم آسیای

میانه است مردم تاجیکستان در روزهای تاسوعا و عاشورا تلاش می‌کنند به گرامیداشت قیام امام حسین (ع) بپردازند. در ازبکستان مردم تلاش می‌کنند همانند دوران شوروی، به‌صورت مخفیانه مراسم عزاداری را در خانه‌های خود بر پا کنند. مراسم سوگواری سیدالشهدا در بخارا، باشکوه خاصی برگزار می‌شود (Lotfizadeh, 2018). امتداد جغرافیای سرزمینی، پیوستگی و تمرکز مرزی اقوام ترکمن دو کشور می‌تواند منبع چالش باشد. ترکمن‌های ایران بصورت متمرکز در شرق دریای مازندران و در منطقه‌ای بین رود مرزی اترک و رودخانه گرگان، ساحل شرقی دریای خزر و غرب استان خراسان و در مساحتی برابر ۱۷۳ کیلومتر مربع استقرار یافته‌اند (Karimipour, 2000). عناصر زبانی، مذهبی و قومی بویژه در مورد قبایل تکه ویموت، ساختار فرهنگی مساعدی را برای تقویت واگرایی از هسته سیاسی دولت ایران و برعکس هم‌گرایی با دولت ترکمنستان فراهم آورده اما میزان توفیق طرح‌های توسعه‌ای دو کشور می‌تواند تاثیرات تعدیل کننده‌ای بر رضایتمندی و کاهش یا افزایش هم‌گرایی و واگرایی ترکمن‌ها داشته باشد (Jafari, 2005).

پ) پارادیپلماسی و ظرفیت اقتصادی آن

سومین عامل در ظرفیت‌های پارادیپلماتیک، بُعد اقتصادی است. به نظر می‌رسد که در جامعه‌ی جهانی امروز روزبه‌روز بر اهمیت اقتصاد افزوده می‌شود. تا جایی که برحسب اولویت، اقتصاد پیشگام سیاست خارجی کشورهای توسعه‌یافته محسوب می‌گردد و این کشورها از آن به‌مثابه‌ی یک ابزار جهت تأمین منافع ملی استفاده می‌کنند.

بردی اف از آغاز تصدی ریاست جمهوری همواره تأکید ویژه‌ای بر روابط با کشورهای همسایه می‌کرد و مشترکات تاریخی، فرهنگی و اقتصادی را دال بر این مدعا می‌دانست (Anceschi, 2008). روابط با ایران برای ترکمنستان در این برهه در اولویت دولت مستمر ماند و این روابط در عرصه‌های مختلف گسترش یافت (AlipourNandel, 2009). براساس رویکرد هم‌گرایی، عامل قومی می‌تواند یکی از ضرورت‌های همسایگی جمهوری اسلامی ایران با ترکمنستان باشد، وجود اقوام ترکمن در کشور ترکمنستان و همچنین وجود ترکمن‌ها در شمال ایران که اغلب مرزنشین هستند پیوند عمیقی میان اقوام ترکمن دو کشور به وجود آورده است. این فرهنگ، در اقوام هر دو کشور به‌صورت شاخصی مهم، سالیان متمادی وجود داشته دارد. (Ilierran , 2021). در دره فرغانه که هنوز هم عنصر فرهنگی غالب، ایرانی است عید نوروز مفصل جشن گرفته می‌شود (Amirahmadian, 2004. P: 158).

جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های اقتصادی می‌تواند در تعاملات دوجانبه با این کشور روابط خود را

افزایش دهد. این کشور با توجه به مجاورت جغرافیایی می‌تواند بازار خوبی بـرای محصـولات باکیفیـت و استاندارد، خدمات ایرانی و خدمات فنی مهندسی صادراتی ایران باشند که تأثیر مثبت خـود را بـر درآمـد، اشتغال و تنوع‌بخشی به بازارها می‌گذارد. همچنین اتصال شبکه‌های حمل‌ونقل و انرژی ایران اعم از خطوط انتقال برق یا گاز به منطقه و بازارهای ثالث، ظرفیتی ویژه برای ایران خواهد بود؛ ازاین‌رو، صـادرات انـواع کالاهـا بـه ایـن کشـور مـی‌توانـد مزیـت و فرصـتی چشـمگیر بـرای ایـران محسـوب شـود، (Iran Trade Development Organization, 2016 and Industries and Mines Organization, 2020).

ایران در حوزه سیاست‌گذاری به چند سیاست اولویت دهد: نخست، با بهره‌برداری از موقعیت ژئوپلیتیک و استفاده کاربردی از جغرافیا و اتصالات تاریخی، سیاست و اقتصـاد را در نگـاه بـه شـرق در حـوزه پیشـبرد سیاست خارجی تقویت کند؛ دوم، گرایش به شرق نباید در یک قالب کلی و باهدف ائتلاف‌سازی ارزیابی شود؛ چون هر کشوری ویژگی‌ها و برداشت‌های خاص تاریخی خود را از حفظ منـافع و امنیـت دارد و بـه روابط دوجانبه اولویت می‌دهد؛ سوم، نگاه به شرق باید با محوریت منطقـه‌گرایـی و سیاسـت همسـایگی و اتکا به روندهای مستقل سیاسی اقتصادی دنبال شود. از این طریق، این سیاست پویایی‌های جدیدی به نقش فعال ایران در توازن قوای منطقه‌ای می‌دهد و بر ارزش استراتژیک ایران در نزد قدرت‌های غربـی (آمریکـا و اروپا) و شرقی (روسیه، چین و هند) می‌افزاید (Barzegar, 2021).

در سال‌های پس از استقلال ترکمنستان، با تدوین برنامه‌های مناسب و رشد اقتصادی قابل‌ملاحظه بنگاه‌های صنعتی و اقتصادی ایران، روابط دوجانبه با این کشور بهبود یافت. افتتاح منطقه ویژه اقتصـادی سـرخس در ۱۹۹۲، خط آهن مشهد- تجن - سرخس در سال ۱۳۷۵ و خط آهن بافق - بنـدرعباس اقـدامات مهمـی در جهت توسعه همکاری‌های تجاری، حمل‌ونقلی و ترانزیتی میان ایـران و کشـورهای آسـیای مرکـزی بـوده است (Liang, 2019). همچنین حمایت ایران از عضویت کشورهای آسـیای مرکـزی ازجملـه ترکمنسـتان برای عضویت در اکو باانگیزه توسعه همکاری‌های اقتصادی و تمایل کشورهای منطقه بـاانگیزه برقـراری و توسعه مناسبات اقتصادی، نقطه عطفی در تسریع توسعه همکاری‌های منطقـه‌ای بـوده اسـت. مجموعـه ایـن اقدامات باعث شده حجم روابط اقتصادی دو کشور افزایش قابل‌توجهی بیابد و از این نظـر، ترکمنسـتان را در رتبه نخست میان کشورهای مشترک‌المنافع قرار دهد. به گفته برخی کارشناسان، حجم روابط اقتصادی دو کشور از ۲۶ میلیون دلار در سال ۱۳۷۱ به ۶۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۸۲ افزایش‌یافته است، با توجه بـه گسترش فزاینده همکاری‌ها و وجود ظرفیت و امکانات مناسب در ۲ کشور درزمینه‌های مختلف اقتصـادی و تجاری، این میزان اکنون به عدد۵/۳ میلیارد دلار رسیده است که با توجه به پتانسیل‌های دو کشور، امکان

افزایش آن نیز وجود دارد (Ahmadi & Mousavi, 2018).

بخشی از چالش‌های موجود بین ایران و ترکمنستان، ناشی از عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی است که از سطحی بالاتر بر روابط دو کشور تأثیرگذار هستند. در این زمینه مهم‌ترین عامل، خصومت موجود بین ایران و آمریکا و تلاش‌های آمریکا برای ممانعت از حضور ایران در پروژه‌های انرژی منطقه است. سرمایه‌گذاری‌های ایران در بخش انرژی منطقه می‌تواند باعث افزایش قدرت و نفوذ ایران و همچنین ارتقای توان تأثیرگذاری پر تحولات اقتصادی و سیاسی منطقه شود. عبور مسیرهای انتقال نفت و گاز از ایران نیز می‌تواند از یک‌سو باعث افزایش اهمیت راهبردی ایران شده و از سوی دیگر، موجب ایجاد همگرایی منطقه‌ای، اعتمادسازی، کاهش تهدیدهای امنیتی برای ایران و وابستگی متقابل شود (Goodarzi, 2010). از دیگر زمینه مساعد همکاری دو جانبه ایران و ترکمنستان، همکاری‌های اقتصادی تجاری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک صنعتی و کشاورزی است که در واقع نقش مکمل اکو را در گسترش روابط ایران با ترکمنستان ایفا نموده و می‌تواند پیامدهای مثبتی چون توسعه و تجهیزات بنادر کشور، شبکه‌های زمینی، گسترش صنعت ماهی‌گیری و در نهایت رونق اقتصادی در کشور ترکمنستان را در پی داشته و نیز با توجه به نیاز این کشور به همکاری‌ها و کمک‌های اقتصادی دیگر کشورها، انجام یک برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده از سوی ایران لازم به نظر می‌رسد.

برای تحقق رویکردهای پارادیپلماتیک البته می‌توان راهکارهایی را نیز ارائه کرد؛ که در زیر برخی از مهم‌ترین و محتمل‌ترین این راهکارها را در سه حوزۀ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میتوان مشاهده نمود:

نتیجه‌گیری

ترکمنستان، یکی از کشورهای آسیای مرکزی است که با توجه به ظرفیت‌های موجود در این کشور، می‌بایست بیشتر از این مورد توجه سیاستگذاران و مدیران سیاست خارجی قرار گیرد. آن‌چیزی که تا امروز به‌عنوان مانع اصلی گسترش همکاری‌ها و فعال‌کردن پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود برای همکاری دو کشور می‌توان درنظر گرفت، تکیه بر دیپلماسی رسمی است. این درحالی است‌که رویکردهای پارادیپلماتیک می‌توانند فرصت‌های بیشتر و دریچه‌های تازه‌تری را برای سیاستگذران ایجاد کنند. برهمین اساس در این مقاله علاوه بر آسیب‌شناسی دیپلماسی رسمی به امکاناتِ گستردۀ پارادیپلماسی نیز اشاره شد. پارادیپلماسی به طور روشن به فعالیت و نقش‌افرینی گروه‌های و موضوعات غیرحکومتی اشاره دارد که می‌تواند به‌عنوان «جاده صاف کنِ» دیپلماسی رسمی به‌شمار رود.

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۱۲، شمارۀ ۲، شماره پیاپی ۲۴، بهار و تابستان ۱۴۰۳

جدول شماره (٤): راه‌کار پیشنهادی الگوی پارادیپلماتیک

ردیف	جنس راه‌کار	راه‌کار پیشنهادی
۱	فرهنگی	تحقق مشترکات فرهنگی ـ تمدنی به سازمان‌ها فروملی و نهادهای مدنی سپرده شود.
		ایران همکاری‌های فرهنگی خود با ترکمنستان را به بخش خصوصی فرهنگی هم‌چون دانشگاه‌ها، مراکز هنری، رسانه‌های نیمه دولتی ـ نیمه خصوصی و فعالان جامعه مدنی برون‌سپاری نماید.
		دستگاه دیپلماسی رسمی جمهوری اسلامی ایران در راستای بهره‌مندی از فواید پارادیپلماسی به ارتقاء اختیارات سازمان‌هایی خیریه و عام‌المنفعه هم‌چون حلال احمر، کمیته امداد امام خمینی(ره) و... در عرصه برون مرزی پرداخته و به تسهیل فعالیت این سازمان‌های مردم‌نهاد در منطقه آسیای مرکزی کمک نماید.
		مراودات علمی و آکادمیک به انجمن‌های علمی و افراد دانشگاهی غیر حاکمیتی برون‌سپاری شود. این افراد غالبا در راستای منافع ملی به صورت موازی به دستگاه دیپلماسی یاری رساند.
۲	اقتصادی	واگذاری بخش اعظم مراوادت اقتصادی به سازمان‌های اقتصادی غالبا خصوصی و نیمه خصوصی ـ نیمه دولتی در راستای بهره‌مندی از فرصت‌های کشور ترکمنستان
		گام برداشتن حاکمیت در راستای تحقق پروژه‌های اقتصادی (عمرانی و تجاری) دو یا چند جانبه در قالب سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای
		تقویت بخش خصوصی و تعاونی داخل کشور در راستای تقویت مواضع برون مرزی این بخش و تحقق منافع ملی از مسیر موازی کاری دیپلماسی رسمی و پارادیپلماسی با رویکرد اقتصادی
۳	سیاسی	پیشنهاد رویکرد پارادیپلماسی بر آن است که تلاش دستگاه دیپلماسی رسمی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با مسائل سیاسی ـ امنیتی تا حد ممکن از موضع‌گیری در رویارویی‌هایی میان دو کشور یا مخالفت‌های یک گروه فروملی با حاکمیت رسمی اجتناب کرده و به شکل غیرمستقیم اقدام به دستیابی به منابع ملی خود نماید.
		دیپلماسی رسمی تاحد ممکن بر تسهیل رفت‌وآمد دانشگاهیان، فعالان جامعه مدنی و کارگزاران اقتصادی و... اقدام نماید و از مسیر سازوکارهایی هم‌چون لغو روادید و سازوکارهایی مشابه به تسهیل عملیاتی‌شدن پارادیپلماسی یاری رساند.
		نیاز است تا دستگاه دیپلماسی رسمی ایران در راستای تحقق منافع ملی از مسیر پارادیپلماسی به برادرخواندگی و خواهرخواندگی شهرهای مرزی ایران و ترکمنستان یاری رسانده و در عقد این چنین تفاهم‌نامه‌ها و توافق‌نامه‌هایی به شهرداری‌های شهرهای ایران کمک نماید.
		واگذاری بخشی از اختیارات از سوی کنسولگری و سفارتخانه به نهادها و سازمان‌های فروملی در راستای ایجاد سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای فی‌مابین ترکمنستان و ایران زمینه لازم را برای گسترش و تعمیق رویکردهای پارادیپلماتیک فراهم می‌یازد.

ابعاد متنوع پارادیپلماسی از یک‌سو و بازیگرانِ چندگانهٔ آن مساله‌ای مهمی است که امروز توسط تمام دستگاه‌های سیاست خارجی مورد توجه قرار می‌گیرد. از طریق چنین بهره‌گیری‌هایی می‌توان به همگرایی و ایجادِ ارتباطاتِ موثر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با کشوری همچون ترکمنستان پرداخت و از این طریق به اهدافِ چندگانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای تامین منافع ملی نزدیک شد.

References

Ahmadi Lefourki, B., Mirrazavi, F. (2013), *Guide book of the Caspian region and the countries of Central Asia and South Caucasus*, Tehran: Abrar Contemporary International Studies and Research Institute, Tehran.

Ahmadi, S. A, Mousavi, E. (2018), "The effect of the implementation of the border crossing permit plan on Iran-Turkmenistan relations", *Southwest Asia Studies Quarterly*, second year, number 6, pp. 51-68.

AmirAhmadian, B. (2004), "Cultural Interaction of Iranians and Turks in Central Asia", *Central Asian Studies Quarterly*, 13(48), pp. 157-194.

Alipour Nandel, M. (2009), "Bright horizons for the development of economic cooperation between the Islamic Republic of Iran and Turkmenistan", *Events and Analysis Monthly*, No. 234, pp. 92-99.

Anceschi, L. (2008), "Analyzing Turkmen Foreign Policy in the Berdymuhammedov Era", *China and Eurasia Forum Quarterly*, Volume 6, No.4.

Anceschi, L. (2014), "*Turkmen*[1]*istan's Neutrality in Post-Crimea Eurasia*", Central Asia Policy Brief, No. 17.

Bishku, M. (2015), **"***Turkmenistan and Middle East*", The Levantine Review, Vol. 4, No. 2.

Barzegar, K. (2021), "*Orientalism and Neighborhood Policy*", Dialogue with Asian Diplomacy, vol. 8-9, pp. 12-15.

Bayliss, J., Smith, S. (2004), The Globalization of Politics: International Relations in the Modern Era (International Issues, Globalization in the Future), translated by Abolghasem Rahchemani and others, *Tehran: Tehran Abrar Contemporary Institute Publications*. (in persian)

Bohr, A. (2016), "Turkmenistan: Power, Politics and PetroAuthoritarianism", *Russia and Eurasia Programme*

Damanpakjami, M. (2009), Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in Central Asia, Tehran: *Bureau of Political and International Studies*. (in persian)

dehshiri, M. R. (2014). Paradiplomacy in Globalization Era: A Case Study of Urban Diplomacy. *Strategic Studies of public policy*, 4(13), 34-54. (in persian)

dehshiri, M. R. (2014), Cultural Diplomacy of the Islamic Republic of Iran, Tehran: *Scientific and Cultural Publications.*

Dehghani Firoozabadi, S. J., & Damanpak Jami, M. (2017). Economic Diplomacy of the Islamic Republic of Iran; Assessing 25 - year economic relations between Iran and Central Asian Republics. *Central Asia and The Caucasus Journal*, 22(96), 25-66. (in persian)

Kishore Chakaborty (2013), *Cultural Diplomacy Dictionary, The Academy for Cultural Diplomacy.*

Gleason, G. (2003), *Markets and Politics in Central Asia*, London and New York.

Greif, A (1994), Cultural beliefs and the organization of society: A historical and theoretical reflection on collectivist and individualist societies**.** *The Journal of Political Economy*,102(5),912-950.

پژوهش‌نامه ایرانی
سیاست بین‌الملل،
سال ۱۲، شمارهٔ ۲، شماره
پیاپی ۲۴، بهار و تابستان
۱۴۰۳

Goodarzi, M. (2010). The Caspian Sea Basin (1991-2008) and the Importance of the Islamic Republic of Iran. *Central Eurasia Studies*, 3(1), 117-138. (in persian)
Goodarzi, M., & Sabagh kalate Hosyni, E. (2017). *City's measurement ratio & diplomacy in globalization era. Strategic Studies of public policy*, 7(23), 61-71. (in persian)
Greif, A. (1994). Cultural beliefs and the organization of society: A historical and theoretical reflection on collectivist and individualist societies. *The Journal of Political Economy*, 912-950.

Iras (30/4/2012) "Iran, the best neighbor and the most reliable partner of Turkmenistan". at http://www.iraneurasia.ir/fa/pages/?cid=17183.
International Crisis Group. (2007). Turkmenistan after Niyazov, Asia Briefing No 60,
KhaliMohammed, H. & Owtram, F. (2014), Paradiplomacy of Regional Governments in International Relations: The Foreign Relations of the Kurdistan Regional Government (2003 – 2010), *Iran and the Caucasus*, 18, 65-84.
Karimipour, Y. (2000), *an introduction to Iran and its neighborhood.* academic jihad.
Kozegar Kaleji, V. (2015), *Iran, Russia and China in Central Asia: Interaction and Confrontation with American Foreign Policy*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publishing House.
khaleghinezhad M, saei A, nazari A. Paradiplomatic regionalism with emphasis on cultural Iran. Islamic World Political Research, 10 (4): 49-70 URL: http://priw.ir/article-1-1388-fa.html
Kuznetsov, A. (2014). *Theory And Practice Of Para Diplomacy: Subnational Governments In International Affairs*, Routledge.
Javadi Arjmand, M J. 2012. General and Cultural Diplomacy of Islamic Republic of Iran in its Relations with Persian Gulf Littoral States. *Scientific Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies;* 12 (41) :9-28. (in Persian)
Lecours, A. (2008), "Political Issue Of Para Diplomacy Lessons From The Developed World", *Netherlands Institute Of International Relation Cling Deal* ISSN 1569-2981.
Liang, l. (2019). *The Spatial Evolution of Geoeconomic Pattern among China and Neighboring Countries since the Reform and Opening-Up*. Institute of Geographic Sciences and Natural Resources Research. Key Laboratory of Regional Sustainable Development Modeling. CAS, Beijing 100101, China; liangy
lotfizadeh, A., & salehi, M. (2018). Opportunities, Mechanisms and Strategic Context of the Sustainable Development of Iran's Relations with the Central Asian Muslim Muslim Network in the Decade. *Political studies of Islamic world*, 7(1), 101-119. doi: 10.30479/psiw.2018.1378
Mohammad Sharifi, M. (2009). "Iran's Islamic Revolution and Islamic Fundamentalism in Central Asia and the Caucasus", *Political Economic Information*, No. 261 and 262, pp. 61-44.
Mahmoudi, M. (2013), "Economic interactions between Tajikistan and Iran and the future prospects of relations between the two countries in recent decades", *International Relations Studies Quarterly*, Volume 6, Number 24, pp. 61-88.
Miguel Santos, N. (2015), Paradiplomacy, knowledge regions and the consolidation of “Soft Power”. JANUS. NET, *e-journal of International Relations*, Vol. 1, n. º 1 (Autumn) pp. 10-28 ISSN: 1647-7251
Modareszadeh, M. (2018). "*Nowruz holiday in Iranian culture and Iranian rituals and*

myths", collection of papers of the first Nowruz conference.
Momeni, M., Rahimi, A., & Gheybizadeh, N. (2016). Paradigmology and its application in border towns; a case study of West Azerbaijan. *International Relations Researches*, 6(21), 53-78.
Pourhasan, N., Khaleghinejad, M. (2017), *Diplomatic Parade*, Tehran: Sokhnoran.
Pye, Lucian w.& Vrba, S. (1965), *Political culture and political development. Princeton*, New Jersey: Princeton University Press.
Pye, Lucian w.& Vrba, S. (1965). *Political culture and political development. Princeton*, New Jersey: Princeton University Press.
Cornell, Svante E. (2003), Regional Politics in Central Asia: the Changing Roles of Iran, Turkey, Pakistan and China, India and Central Asia: Building Linkages in an Age of Turbulence, *(New Delhi: SAPRA Foundation)*
Rahnama, M. R., & Tavangar, M. (2010). Role of Border Towns in Globalization and Regional Development Case Study: Border Towns of Khorasan Razavi Province. *Geopolitics Quarterly*, 6(19), 152-185.(in Persian)
Rodrigo, T. (2016). *Paradiplomacy. Cities and States as Global Players*. New York: Oxford University Press.
Roy, O. (1380). *"Iran's Foreign Policy in Central Asia", Central Asia and Caucasus Studies Quarterly*, No. 36, pp. 173-198. (in Persian)
Simbar, R., Gol Afrooz, M. (2009), "Joint opportunities between Iran and Russia in the field of energy geopolitics; Current situation and perspective", *Yas Strategy*, No. 19, pp. 76-103.
Shokoohi, S., & Safari, A. (2020). Paradiplomacy New Method for Iran's Deal with the Kurds. *Iranian Research letter of International Politics*, 8(1), 49-76. doi: 10.22067/ijip.v8i1.73132
Tohidfam, M., & Dalili, S. (2016). GLOBALIZATION OF URBANS AND GLOCALIZATION DIPLOMACY (CASE STUDT: URBAN DIPLOMACY). *POLITICAL QUARTERLY*, 46(2), 303-321. doi: 10.22059/jpq.2016.57933(in Persian)
Velmini, Fabrici (11/09/2016), 10-year vision of Iran's opportunities and challenges in Central Asia, access: http://iess.ir/home/eastern835/easterniran.com/fa/analysis/650(in Persian)
Wastnidge, E. (2014), "*Pragmatic Politics: Iran, Central Asia and Cultural Foreign Policy*" *in Central Asia and the Caucasus,* (Volume 15, Issue 4, 2014) p. 122.
Yazdani, E., & Nezhad zandieh, R. (2013). A*pplication of Public Diplomacy in the Islamic Republic of Iran's Foreign Policy in the Framework of the Islamic Revolution Principles and Values*. 3(7), 19-44.
Zolfali P, H., Saadati, M. (2015). "A Case Study of Urban Diplomacy in the Paradiplomatic Process in the Age of Globalization", *National Conference of Applied Researches in Educational Sciences and Psychology and Social Harms of Iran, Tehran,* https://civilica.com/doc/ 438504.
(IRNA news agency, 2020: news code 83783854).
(ISNA news agency, 2020: news code 99041712782).
(IRNA news agency, 2020: news code 83710063).